

ترندگذاری برنامه‌ی ششم پیش‌رفت

۱۳۹۴ - ۱۳۹۹

در افق طرح‌ریزی استراتژیک ۱۴۱۴

دفتر ترند و خط‌مشی

ویراست نخست

۱ مهر ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

مقدمه	۱
فصل یکم: گزاره‌های جهانی	۶
فصل دوم: گزاره‌های بین‌المللی	۱۳
فصل سوم: گزاره‌های ملی	۲۰
منابع	۳۲

مقدمه

ترندگذاری برنامه‌ی ششم پیش‌رفت*

۱۳۹۴-۱۳۹۹

در افق طرح‌ریزی استراتژیک ۱۴۱۴

ششمین برنامه‌ی پیش‌رفت جمهوری اسلامی ایران مقطع پنج‌ساله‌ی ۱۳۹۴-۱۳۹۹ را در برمی‌گیرد. برنامه ششم پیش‌رفت، وارث پیامدهای مثبت و منفی پنج برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی قبلی در یک دوره‌ی ۲۵ ساله است؛ هم‌چنین برنامه‌ی ششم، عمیقاً متأثر از وقایع و تحولات جهانی، منطقه‌ای و ملی است که رخ داده یا در حال وقوع است. ازاین‌رو، ترند**های برنامه‌ی ششم، لزوماً باید مبتنی بر پیامدهای برنامه‌های پیشین و تحولات جهانی، منطقه‌ای و ملی گذاشته شوند. محورهای کلی ترندگذاری برنامه‌ی ششم، به‌اجمال در پی این مقدمه آمده است. اما سه نکته‌ی اساسی، روند برنامه‌ریزی استراتژیک طرح‌های پیش‌رفت را اصلاح و غنی می‌سازد:

* این متن ترندگذاری، در ابتدای هر ماه، به روز می‌شود.

** واژه‌ی ترند *Trend* در زبان فارسی به معنی «فرانمای روند» وقایع و تصمیم‌های معطوف به آن است. ترندگذاری از سه مکتب کلی تبعیت می‌کند: مکتب یکم مبتنی بر تبیین وضع موجود؛ مکتب دوم مبتنی بر تبیین وضع مطلوب؛ و مکتب سوم که غایت انگار است، مبتنی بر عاقبت‌نگری در عالم عقبا است.

الف- طرح‌ریزی‌های پنج ساله، با یک اشکال اساسی مواجه است و آن اشکال این است که اجرای این طرح‌ها و برنامه‌ها، اغلب به جمهوری بعد موکول می‌شوند. برنامه‌ی چهارم توسعه توسط جمهوری هشتم ریخته شد و در جمهوری نهم اجرا گردید. برنامه‌ی پنجم توسعه نیز در جمهوری دهم ریخته شد و اجرای بخشی از آن به جمهوری یازدهم موکول گردید. با توجه به این‌که هر جریان سیاسی که از سوی مردم انتخاب می‌شود، غالباً در یک دوره‌ی هشت ساله، دو جمهوری چهار ساله را عهده‌دار می‌شود، عقلانی‌تر است که برنامه‌ی دوره‌ی دو جمهوری را تهیه کند.

از این‌رو ضروری است برنامه‌های پنج ساله‌ی پیش‌رفت تبدیل به برنامه‌های هفت ساله‌ی پیش‌رفت شوند. در این صورت هر جمهوری که شکلی گرفت، در یک سال اول عمر خود، برنامه‌ی مطلوب خود را تهیه نموده و در مجلس شورای اسلامی تصویب نماید. سپس در سه سال باقی عمر آن جمهوری - و چهار ساله‌ی عمر جمهوری بعدی - آن برنامه‌ی هفت ساله‌ی خود را اجرا کند. در این صورت امکان ارزیابی برنامه‌ی اختصاصی هر جمهوری، و عمل‌کرد آن جمهوری پس از اتمام دوره‌ی آن بهتر محقق می‌شود.

در قرآن کریم، نظام برنامه‌ریزی استراتژیک حضرت یوسف ^(ع) برای مصر باستان تشریح شده است. رؤیای فرعون مصر در خواب، حاوی علائمی بود که یوسف ^(ع) آن‌ها را تأویل کرد و مبتنی بر آن، دو برنامه‌ی هفت ساله را برای چهارده سال ریخت. از این‌رو برنامه‌ی هفت ساله، یک الگوی وحیانی نیز در قرآن کریم دارد.

ب- برنامه‌های پیش‌رفت باید در افق مشخص ریخته شود. برنامه‌ی ششم پیش‌رفت نیز یک افق نزدیک دارد که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. اما تحولات پرشتاب جهانی حکم می‌کند که این نگاه عمیق‌تر شود. برای برنامه‌ی ششم - که اجرای آن از ۱۳۹۴ آغاز می‌شود - افق ۱۴۱۴، خود یک افق بیست ساله است. چشم‌انداز ۱۴۰۴ افق نزدیک، چشم‌انداز ۱۴۱۴ افق واسطه، و چشم‌انداز ۱۴۴۴ افق دور برنامه‌ی ششم پیش‌رفت است.

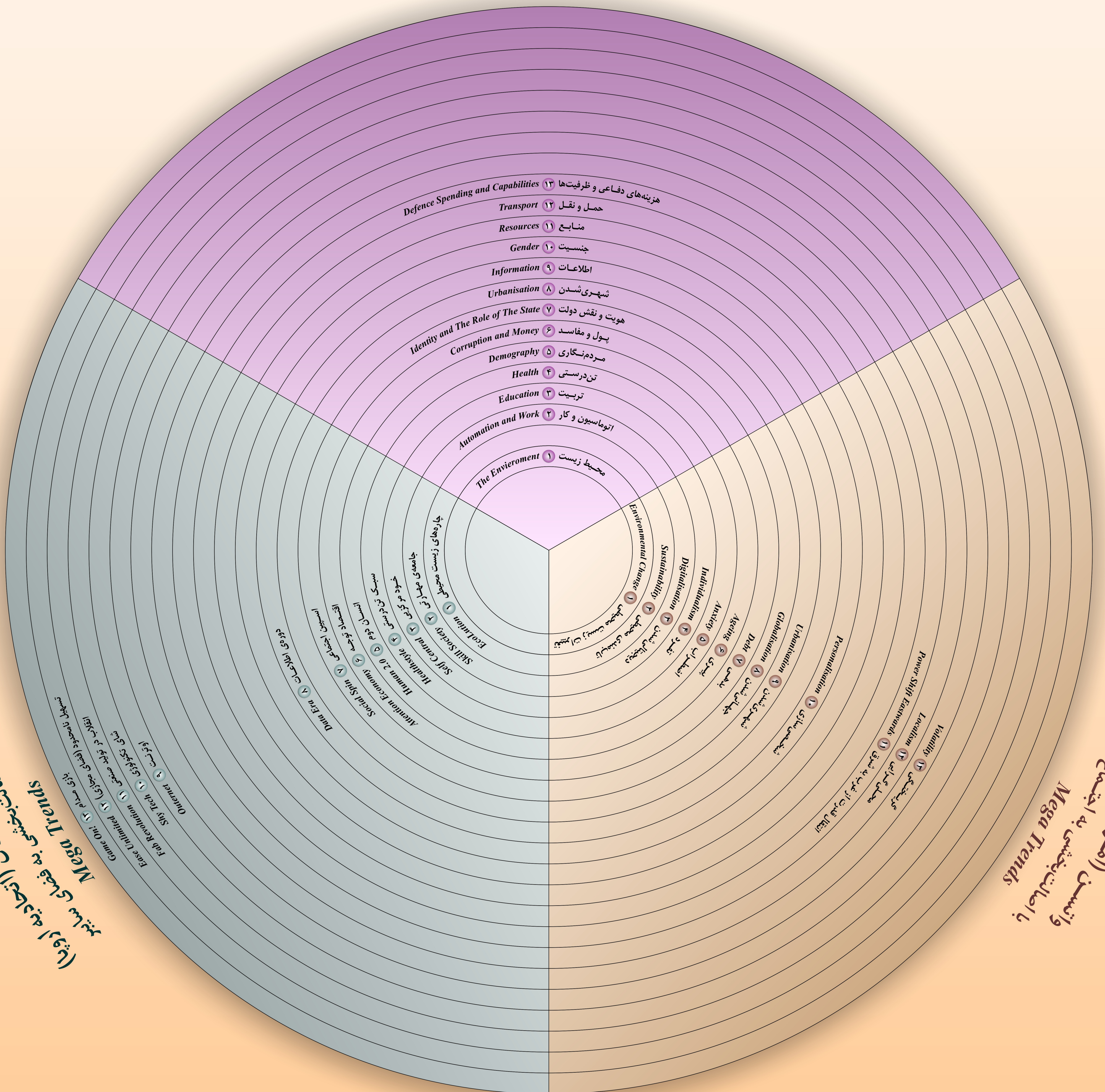


ج- طرح‌ریزی استراتژیک، روی‌کردهای متعدد و متنوعی دارد که در ایران متأسفانه تنها یک روی‌کرد مورد توجه بوده است؛ مکتب «اصالت فرصت» در روی‌کرد امنیت‌مدار. این مکتب که تحت عنوان مخفف *SWOT* شناخته می‌شود، ظرفیت کامل و جامعی برای طرح‌ریزی استراتژیک ندارد. هر حوزه‌ای، روی‌کرد طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی خاص خود را می‌طلبد که غالباً با روی‌کرد امنیت‌مدار و به ویژه با مکتب *SWOT* تمایز و تفاوت اساسی دارد.

در تبیین ترندهای برنامه‌ی ششم پیش‌رفت جمهوری اسلامی، مطالعات نهادهای دکترینال غربی نیز بررسی شده است:

- ترندهای ۲۰۱۵ *TRADOC* فرماندهی دکترین و آموزش - آمریکا.
- ترندهای ۲۰۲۰ *TrendOne* اتحادیه اروپا.
- ترندهای ۲۰۴۵ *DCDC* مرکز دکترین، مفاهیم و توسعه - انگلیس.
- ترندهای ۲۰۵۰ ریچارد واتسن - آمریکا.

مرکز دکتَرین، مفاهیم و توسعه (انگلیسی)
با اصالت بخشی به محیط
Strategic Trends



واتسن (امریکا)
بہ اجتماع
Mega Trends
بہ اجتماع

معماری و فضای مجازی (۱۶) *ArchiTectura*
بازی مدرام (۱۷) *Mega Trends*
سایتر (۱۸) *معماری و فضای مجازی*
تجارت و بازاریابی (۱۹) *تجارت و بازاریابی*
تجارت و بازاریابی (۲۰) *تجارت و بازاریابی*

فصل یکم

گزاره‌های جهانی

گزاره‌های جهانی

۱- نظام چند قطبی

گروه بریکس، شامل روسیه، چین، برزیل، هند، و آفریقای جنوبی، که نزدیک به یک‌سوم اقتصاد جهان را دربردارند در حال ایجاد صندوق پولی مشترک، برای شکستن انحصار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ این اقدام، آمریکا و اقتدار دلار را به چالش خواهد کشید. وقایع اوکراین و سوریه، شکاف روسیه و غرب را بیشتر کرد و هم‌چنین موجب هوشیاری بیشتر چین شد. غیر از گروه بریکس و پیمان شانگهای، حوزه‌ی مرکوسور (کشورهای آمریکای لاتین) نیز برای شفاف کردن مرزهای منافع خود با آمریکای شمالی و اروپا، تلاش می‌کنند. از این رو، جهان در دوره‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت جمهوری اسلامی، به سمت نظام کلی دوقطبی غرب (اروپا و آمریکا) - شرق (چین و روسیه) پیش می‌رود.

جهان اسلام، از یک‌سو درگیر جنبش‌های بیداری اسلامی در مصر، یمن، فلسطین، بحرین، تونس، و لیبی است، و از سوی دیگر با فتنه‌ی تکفیری‌ها مواجه است. در جهان اسلام نسبت به تحولات جهانی و روند شکل‌گیری نظم جهانی، چهار انگاره‌ی متفاوت وجود دارد:

الف- انگاره‌ی غالب (در میان دولت‌های کشورهای اسلامی): انگاره‌ی غالب، گرایش به قطب

غربی جهان (آمریکا- اروپا) است؛ ترکیه و عربستان پرچم‌دار این انگاره هستند و عمده‌ی کشورهای عرب از این انگاره پیروی می‌کنند.

ب- انگاره‌ی ضعیف: روی‌کرد به قطب شرقی جهان (روسیه- چین).

پ- انگاره‌ی غفلت: روی‌کرد کشورهایی که متوجه تحولات نظام جهانی نبوده، و به مشکلات خود مشغول هستند.

ت- انگاره‌ی تهاجمی: روی‌کرد سامان‌دهی قطب سوم جهان (جنبش جهانی بیداری اسلامی- جنبش جهانی مستضعفین). پرچم این انگاره، در دست نیروهای انقلاب اسلامی و جریان منطقه‌ای حزب‌الله است.

هر چهار انگاره، ضعف‌ها و قوت‌ها، و هم‌چنین فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی خود را دارند؛ اما آنچه

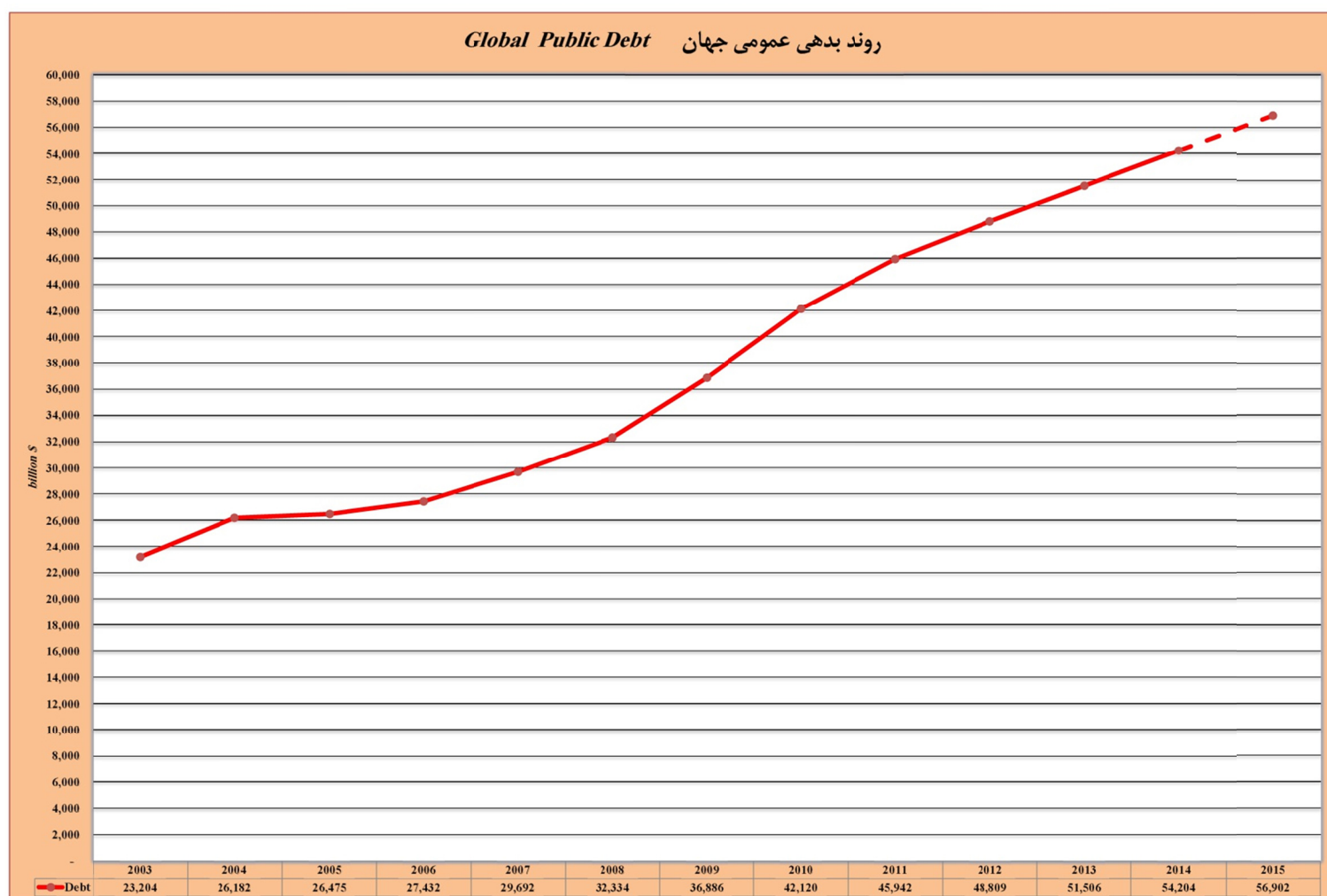
مشهود است، این که هیچ یک از این انگاره‌ها در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت نمی‌توانند بر جهان اسلام غالب شوند و ناچار به تعامل و یارگیری، و تقابل با یک‌دیگر هستند.

استراتژی جمهوری اسلامی باید بر گفتمان‌سازی جهانی، منطقه‌ای و ملی انگاره‌ی چهارم (تهاجمی) در شکل‌گیری نظم جهانی معطوف باشد.

۲- فروپاشی اقتصاد جهانی

اقتصاد دلار پایه‌ی جهان در سال پایه‌ی برنامه‌ی ششم (۲۰۱۵/۱۳۹۴) بیش از ۵۶ تریلیون دلار بدهی عمومی دارد؛ این رقم که به‌مراتب از درآمد کل کشورهای جهان بیشتر است، عمدتاً مربوط به اقتصادهای برتر (آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن، کانادا، استرالیا، و غیره) است و در سال ۱۳۹۹ به ۷۲ تریلیون دلار می‌رسد.

سیل انتقادهای جهانی از سوی دانشمندان، روشنفکران، مدیران، و سیاست‌مداران، به مدل‌های اقتصاد لیبرالیستی، موج فزاینده‌ای یافته است. اما آنچه حائز اهمیت است، این‌که هنوز الگوی جایگزینی برای لیبرالیسم اقتصادی تبیین نشده است.



در جنگ تمام عیار اقتصادی [۲] مزبور است؛ اما اقتصاد مقاومتی با دو چالش اساسی در طول برنامه‌ی ششم پیش‌رفت مواجه است:

(۱) **چالش نظری:** تکنوکرات‌های حاضر در حوزه‌ی اقتصاد ایران، عمدتاً مؤمن به

دکترین‌های فریدمنی، یا نئوکینزی هستند. پذیرش بی‌سروصدای مکتب پولی در اقتصاد ایران در دو دهه‌ی اخیر، عملاً اقتصاد مقاومتی را غیرممکن ساخته است.

(۲) **چالش عملی:** اصالت پول در اقتصاد، و سیطره‌ی بازار سرمایه به‌عنوان حجاب بر

سایر بازارها، موجب این شده است که پول با پول کار کند. این‌که پول با پول کار کند و اساساً «کار کردن» پول برخلاف حکم صریح امام خمینی^(ره) است که فرمودند: «پول نباید کار کند.» [۳] و [۴]

دلیل اصلی سست شدن بنیه‌ی ملی، مکتب اصالت پول است و با وجود آن، مقاوم‌سازی اقتصاد تنها در حوزه‌ی شاخ و برگ‌ها صورت می‌گیرد، نه در تنه و ریشه‌ی آن. جمهوری اسلامی چهار استراتژی هم‌زمان را باید در مقطع پنج‌ساله‌ی برنامه‌ی ششم سرلوحه‌ی خود قرار دهد:

استراتژی یکم

مفهوم پول در اقتصاد ایران گمراه‌کننده است. باید پول به معنی *Currency* حذف شود و *Money* جایگزین شود. پول بدون پشتوانه *Fiat* کارکردی هم‌چون ویروس *HIV* در پیکره‌ی اقتصاد دارد.

استراتژی دوم

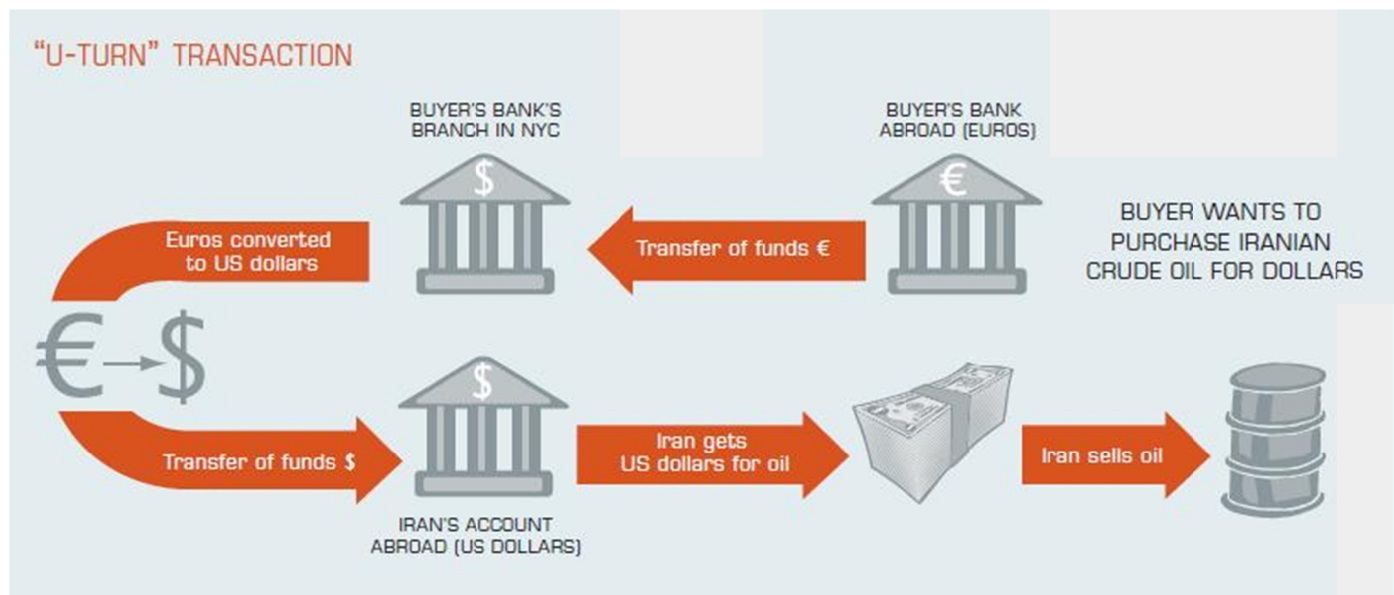
کنار گذاردن مکتب اصالت پول در اقتصاد ملی. در این صورت، بازار سرمایه از اصالت خواهد افتاد و سایر بازارها مورد توجه واقع می‌شوند. بانک، بورس و بیمه نیز به نهادهای فرعی و خدماتی تبدیل شده و از محوریت ساقط می‌شوند.

استراتژی سوم

در تجارت بین‌المللی، با ایجاد پیمان‌های دوجانبه‌ی پولی، هر نوع ارز ثالث مانند دلار و یورو، از چرخه‌ی معاملات حذف شود.

چین و روسیه این روند را در پیش گرفته‌اند و جمهوری اسلامی که در محاصره‌ی اقتصادی است، بیش از دیگران به این روند نیازمند است.

* نکته: مرکز سیاست دوحزبی آمریکا Bipartisan Policy Center در سال ۱۳۸۷ در گزارشی، استراتژی آمریکا علیه ایران را در قالب «دایم پارادایم» اعلام کرد. استراتژی آمریکا در قالب «دوربرگردان» یا U-Turn مبتنی بر این است که هر نوع معامله نفتی ایران با ارزی غیر از دلار، باید در بازار جهانی یا در کشور مقصد، ابتدا به دلار برگردد، سپس معامله رسمیت پیدا کند. باید به این استراتژی حمله کرد و دلار را از چرخه معاملات حذف کرد.



استراتژی چهارم

مهار نفوذ کمپانی‌ها و کورپوریشن‌های بین‌المللی در اقتصاد ایران: کمپانی‌های چندملیتی و تک‌ملیتی خارجی، به بهانه‌ی سرمایه‌گذاری، نقاط استراتژیک و عملیاتی تولید و تجارت را در دست گرفته و بر کلیت ساختار سیاست اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی کشور تأثیرگذار می‌شوند؛ از این رو باید با رصد هوشمندانه‌ی ورود و حضور این کمپانی‌ها، تهدید آن‌ها در شکل‌گیری استراتژی لکه‌ی جوهر را خنثی کرد. کشور کره جنوبی امروز توسط این کورپوریشن‌های چندملیتی اداره می‌شود؛ چین نیز به مرور با این تهدید مواجه شده است و اقتصاد آن مترصد تسخیر شدن است.

خط‌مشی

این استراتژی‌ها بر یک معیار و میزان مشخص سنجش می‌شوند: زدودن زهر ربا از تن اقتصاد ایران. خط‌مشی ربازدایی از اقتصاد ایران، معیار استراتژی‌های مزبور، در بستر تحولات جهانی اقتصاد است. جنگ تمام‌عیار اقتصادی، عملاً در قالب جنگ با خدا و رسول خدا (ص) به اجرا درآمده است.

۳- تغییرات زیست بوم جهانی

سرعت تغییرات زیست بوم جهانی، نابودی گونه‌های جانوری، اسراف منابع کره‌ی زمین، و تغییرات دمایی، موقعیت جلدی سیاره را به مخاطره انداخته و به مرور بر حیات بشر و ساخت و بافت اجتماعی کشورها و قاره‌ها تاثیر گذارده و بنیه‌ی آن‌ها را ضعیف می‌سازد. بخشی از «امنیت جهانی پایدار» معطوف به محیط زیست جهانی پایدار است. ناپایداری محیط زیست جهانی در این دوره، در طول تاریخ کم سابقه است.

فصل دوم

گزاره‌های بین‌المللی

گزاره‌های بین‌المللی

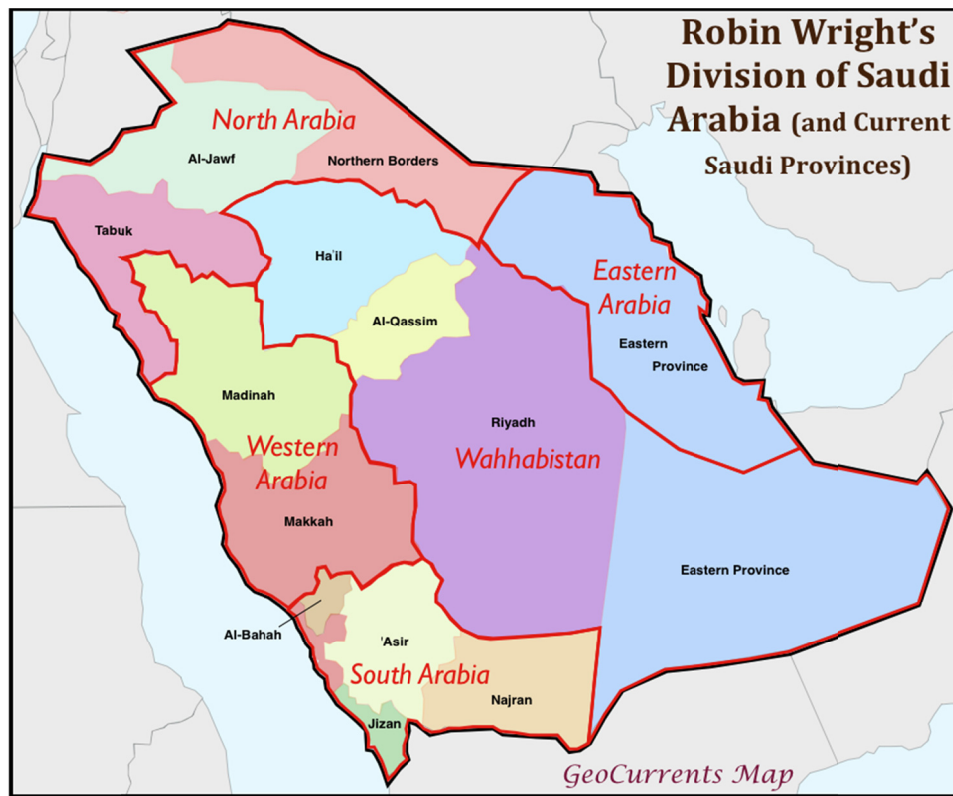
۱- تغییرات ژئوپلیتیکی

در عرصه‌ی بین‌المللی، به‌ویژه در جهان اسلام، تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای از سوی استکبار جهانی پیگیری می‌شود: پس از حدود یک‌صد سال که از اقدامات دو فرد فرانسوی و انگلیسی (پیکو^۱ و سایکس^۲) در تنظیم و ترسیم نقشه و مرزهای کشورهای جنوب غرب آسیا می‌گذرد، مجدداً نقشه و مرزهای همین کشورها را آماج طرح‌ها و تغییرات موردنظر خود قرار داده‌اند؛ ازاین‌رو، مقاصد شوم استکبار جهانی در تجزیه‌ی کشورهای اسلامی در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم جمهوری اسلامی، موقعیت ویژه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد که نباید از وقوع و پیامدهای آن غافل شد. آمریکا با پشتیبانی اتحادیه اروپا، و در راستای سیاست‌های رژیم صهیونیستی، نقشه‌ی تجزیه کشورهای اسلامی را منتشر کرده است:

الف- تجزیه‌ی عراق	ب- تجزیه‌ی سوریه	پ- تجزیه‌ی لبنان
ت- تجزیه‌ی اردن	ث- تجزیه‌ی عربستان	ج- تجزیه‌ی یمن
چ- تجزیه‌ی پاکستان	ح- تجزیه‌ی افغانستان	خ- تجزیه‌ی ایران
د- تجزیه‌ی مصر	ذ- تجزیه‌ی لیبی	

1- Francois Gorges-Picot

2- Sir Mark Sykes



در دهه‌ی اخیر، پس از جدا نمودن تیمور شرقی از کشور اسلامی اندونزی، و تجزیه‌ی سودان جنوبی از کشور اسلامی سودان، که مجموعاً منطقه‌ای بیش از وسعت کشور فرانسه از سرزمین‌های جهان اسلام جدا شد، اکنون در میانمار و آفریقای مرکزی - که مسلمانان در اقلیت هستند - نیز مسلمان‌زدایی از آن سرزمین‌ها ادامه دارد.

دو اقدام «تغییر مرزها و تجزیه‌ی کشورها» و «راندن اقلیت‌های مسلمان از سرزمین خود»، مستقیم و غیرمستقیم در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، بر سیاست‌های جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه، در طول برنامه‌ی ششم، جمهوری اسلامی ضمن این‌که نباید نسبت به این اهداف شوم بی‌تفاوت باشد، هم‌چنین نباید غافل‌گیر شود و منفعل بماند.

۲- بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در چهار سال اخیر به سقوط دولت‌های مصر، لیبی، تونس و یمن انجامید؛ انقلاب یمن ناکام ماند اما کماکان ادامه دارد؛ انقلاب مصر و لیبی منحرف شد؛ اما انقلاب بحرین، همچنان در جریان است. سوریه خطر تکفیری‌ها را تا حدودی دفع کرده است. عراق عمیقاً در فتنه‌ی تکفیری‌ها درگیر است. پیروزی مردم غزه در نبرد ۵۱ روزه در تابستان ۱۳۹۳ مجدداً بیداری اسلامی را شعله‌ور

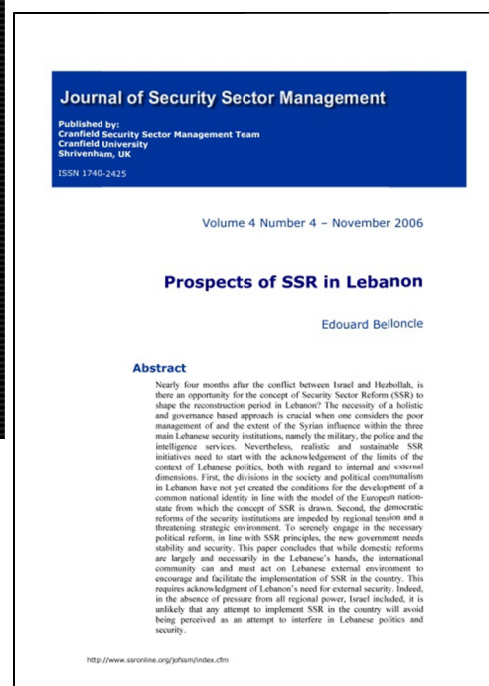
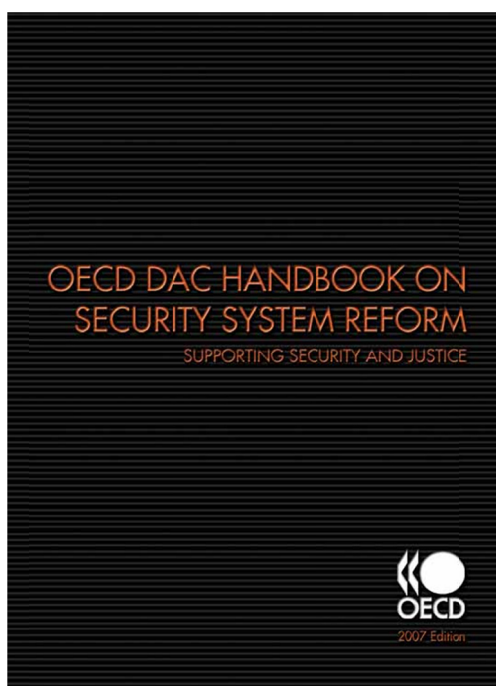
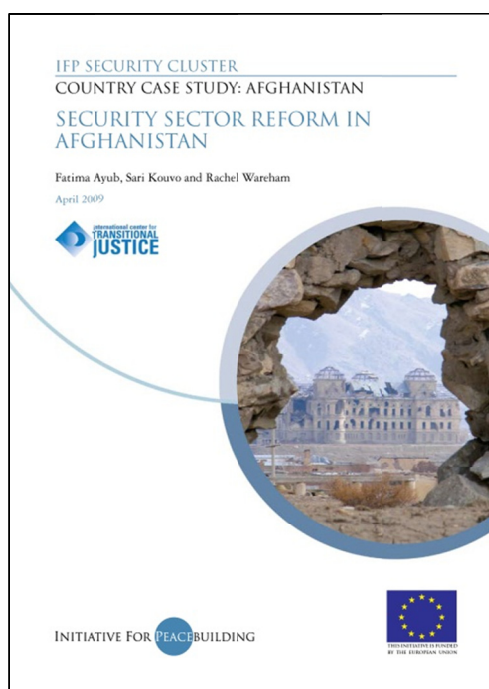
ساخت. در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، بیداری اسلامی دو مرحله‌ی دیگر را از سر می‌گذارند:

الف- مرحله‌ی سقوط دولت‌های استبدادی- ارتجاعی، مانند عربستان و بحرین و برخی دیگر: عربستان در تغییرات سیاسی پس از ملک عبدالله و سعود الفیصل (که هر دو کهن‌سال هستند) دوران دشواری را پیش‌رو خواهد داشت. انزوای فرقه‌ی وهابی- تکفیری در جهان اسلام، انزوای ایدئولوژیک عربستان در دهه‌ی جاری را در پی دارد.

ب- مرحله‌ی شفافیت تشخیص اسلام ناب از فرقه‌های انحرافی، مانند وهابیت: بیداری اسلامی، یک وجه درونی، و یک زایمان دردناک را می‌گذراند؛ پاسخ به این پرسش که کدام اسلام اصیل است و قدرت انطباق شرایط را با خود دارد؛ پاسخ به این پرسش که کدام اسلام می‌تواند و کدام اسلام توانست جامعه را در عصر مدرن مدیریت کند. این پاسخ‌ها در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی تعمیق می‌یابد و از مرحله‌ی شور و هیجان، به مرحله‌ی معرفت و شعور می‌رسد؛ جمهوری اسلامی برای این مرحله باید برنامه‌ی مشخص داشته باشد و در عمق‌بخشی معرفتی به جریان بیداری اسلامی بکوشد. این مرحله، موجب معرفی حقانیت جمهوری اسلامی در نسبت با اسلام آمریکایی ترکیه و اسلام تکفیری عربستان خواهد شد. در این مرحله، هم‌چنین جمهوری اسلامی باید تکفیریون شیعه و «عمامه»های انگلیسی را افشاء و منزوی کند. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، مقطع مهم افشاء و تقبیح صهیونیست‌های مسلمان، اعم از سکیولارهای مسلمان، تکفیریون سنی و تکفیریون شیعه است.

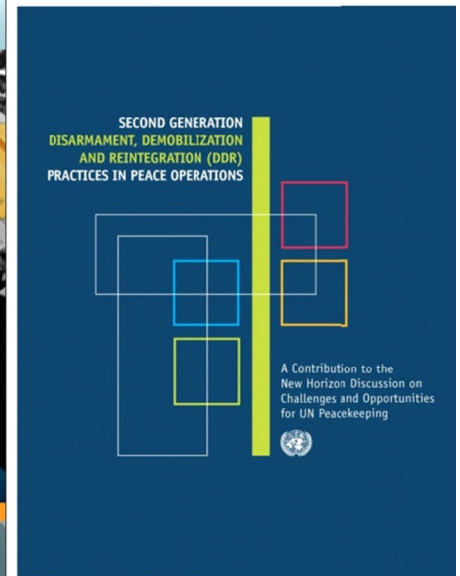
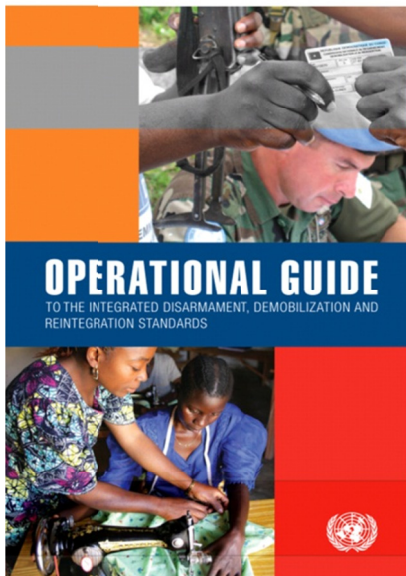
۳- پروژه‌ی SSR ایران و سوریه

آمریکا تلاش می‌کند که در سوریه و ایران پروژه‌ی (SSR) *(Security Sector Reform)* را اجرا کند. تحریم‌های اقتصادی بخشی از پروژه‌ی SSR هستند. روند و ابعاد این پروژه باید برای مدیران جمهوری اسلامی معرفی شده و آن را ناکام گذارند. ممانعت از SSR آمریکا یکی از شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی ششم پیشرفت است.



۴- پروژه‌ی DDR مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین

آمریکا پروژه‌ی *DDR (Disarmament, Demobilization, Reintegration)* حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی را از طریق سازمان ملل پی‌گیری می‌کند. روند و ابعاد پروژه‌ی *DDR* علیه مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین باید معرفی و افشاء گردد و از تحقق آن جلوگیری شود.



۵- پروژه‌ی DDR تکفیریون

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، در یک دیپلماسی ضدتروریستی فعال در منطقه و جهان، پروژه‌ی DDR تکفیریون سنی و شیعه را مدیریت کند.

۶- پروژه‌ی SSR رژیم صهیونیستی

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، در یک دیپلماسی ضدتروریستی فعال در منطقه و جهان، پروژه‌ی SSR رژیم صهیونیستی را مدیریت کند.

۷- پروژه‌ی SSR آمریکا

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، در یک دیپلماسی فعال ضداستکباری، در برابر پروژه‌ی SSR آمریکا علیه ایران، پروژه‌ی SSR آمریکا را در جهان به گفتمان عمومی تبدیل کند.

فصل سوم

گزاره‌های ملی

گزاره‌های ملی

۱- محیط زیست

خشک سالی و تغییرات زیست محیطی، در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی عدیده‌ای برای جمهوری اسلامی پدید می‌آورد؛ سال ۱۳۹۳ هفتمین سال خشک سالی پیاپی کشور است:

الف- اکنون از هر ۱۰ شهر ایران که رودخانه دارند، رودخانه‌های ۹ شهر خشک شده است، به گونه‌ای که شهرداری‌های آنجا، بستر رودخانه‌ی شهر خود را آسفالت کرده و به مرور تغییر کاربری می‌دهند.

ب- در شرق و غرب و مرکز کشور، دریاچه‌ها و تالاب‌ها با کمبود آب مواجه هستند.

پ- تغییرات آب و هوایی و زیست محیطی موجب جابه‌جایی جمعیت و به ویژه «روستازدایی» می‌شود.

ت- فقرزایی حاصل از تغییرات زیست محیطی، پیامدهای اجتماعی- امنیتی گسترده‌ای در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت خواهد داشت.

ث- غبار و ریزگردها که از غرب و جنوب غرب کشور وارد می‌شوند و هیچ درمان و علاجی ندارند، بر ساختار اجتماعی- اقتصادی غرب و جنوب غرب کشور تأثیر جدی خواهد داشت.

* شیوع معاصی، به‌ویژه ربای سازمان‌یافته، برکت را از زندگی و محیط‌زیست می‌برد. اگر در برنامه‌ی ششم به معصیت‌زدایی توجه نشود، مسالهی بحران زیست‌محیطی به چالشی اساسی برای جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود. شرایط زیست‌محیطی خشک‌سالی، به‌ویژه کم‌آبی، موجب جابه‌جایی جمعیت می‌شود؛ انتشار و پراکندگی جمعیت، یک مؤلفه‌ی قدرت ملی است که برهم خوردن آن، پیامدهای امنیتی دارد. سرمایه‌گذاری امنیتی در قالب طرح آمایش سرزمین، برای انتشار و پراکندگی هوشمند جمعیت، موجب پدید آمدن یکی از متغیرهای امنیت پایدار - یعنی توزیع مناسب جمعیت - می‌شود. سرمایه‌ی ملکی در خطر است و در برنامه‌ی ششم می‌طلبد که نیروهای انقلاب اسلامی به میدان محیط‌زیست وارد شوند.

۲- سرمایه ملکی: کاداستر^۱ و لندپارسل (حدنگاری)

سرمایه‌ی ملکی، نیازمند ثبت قانونی است. ابعاد حقوقی املاک ملی و طرح فقهی اُنفال، یکی از پایه‌های طرح آمایش سرزمین است.

الف- کاداستر ملی (که قانون آن در بهار ۱۳۹۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید) در بازه‌ی برنامه‌ی ششم باید عملیاتی شود. پس از کاداستر عمومی، باید کاداستر سازمانی انجام شود:

- ۱) کاداستر وزارت نفت.
- ۲) کاداستر وزارت جهاد کشاورزی.
- ۳) کاداستر وزارت صنعت، معدن و تجارت.
- ۴) کاداستر وزارت راه و شهرسازی.
- ۵) کاداستر وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.
- ۶) کاداستر دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۷) کاداستر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ۸) کاداستر وزارت آموزش و پرورش.
- ۹) کاداستر وزارت اقتصاد.
- ۱۰) کاداستر بانک مرکزی و حوزه‌ی بانکی کشور.
- ۱۱) کاداستر سپاه.
- ۱۲) کاداستر ارتش.
- ۱۳) کاداستر ناجا.

۱- نهادهای تقسیمات ارضی و تعیین حدود.

(۱۴) کاداستر ودجا.

(۱۵) و سایر سازمان‌ها.

* نکته: ایران از حیث پدیده‌ی «زمین‌خواری» به‌عنوان یک جرم سازمان یافته‌ی «ماکروآلیاژی» موقعیت نامناسبی دارد که راه اصلی ممانعت از این جرائم ماکروآلیاژی در کاداستر و لندپارسل نهفته است.

ب- کاداستر جهان اسلام: فرهنگ کاداستر در جهان اسلام باید تعمیم یابد. صهیونیست‌ها با استفاده از خلأ کاداستر، سرزمین فلسطین را از زیر پای ساکنان آن کشیدند؛ ازاین‌رو فرهنگ کاداستر باید در کشورهای اسلامی نهادینه شود.

۳- سرمایه‌ی معرفتی

معرفت اسلامی، معرفت توحیدی است، اما تهدید و رخنه‌ای که در حوزه‌ی قدرت نرم در معرفت اسلامی پدید آمده است، تثلیث و ثنویت است: تثلیث مستتر در علوم مدرن [۵]، و ثنویت عریان^۱ در هنر. پیامد این رخنه، نابودی باور به توحید در آحاد جامعه اسلامی است.

سد رخنه و افشاء آن، و تکیه بر معرفت توحیدی، با تعمیق آن در سطح جامعه، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت جمهوری اسلامی، یک ضرورت حیاتی است، زیرا خدشه در معرفت توحیدی در آحاد جامعه، موجب خدشه در سایر حوزه‌ها خواهد شد و قدرت نرم جمهوری اسلامی را به چالش می‌کشد. ریشه‌ی امنیت پایدار، در معرفت توحیدی است.

۴- سرمایه‌ی ایمان

متعلقات هفت‌گانه‌ی ایمان قرآنی (ایمان به غیب، خدا، ملائکه، کتاب، انبیاء، آیت‌ها، و آخرت) هیچ‌گاه مانند امروز مورد هجوم شیطان و جنود او نبوده‌اند. امروز به‌گونه‌ای سازمان‌یافته هر هفت متعلق ایمان (جداگانه) تخریب می‌شوند؛ پیامد آن، تخریب باورهای دینی است و اگر از جامعه‌ی مسلمین، ایمان گرفته شود، عمل صالح آحاد آن جامعه نیز کارساز نخواهد بود، زیرا قرآن کریم ۶۵ بار عمل صالح را پس از ایمان کامل آورده است.

۱) فرسایش سرمایه‌ی ایمان، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، ادامه خواهد یافت. ازاین‌روست که باید نخبگان و مسئولین را حساس، و مردم را دغدغه‌مند نمود: تبیین هفت متعلق برای توده‌ی مردم، سپس رصد تخریب هر یک از متعلقات، و آنگاه عمق‌بخشی و تقویت هرکدام از آن‌ها در سطح جامعه، سه اقدام هم‌زمان بازتولید سرمایه ایمان است.

۱- اندیشه‌ی ثنویتی «ین و یانگ» توسط هالیوود در هنر سینما و انیمیشن، در دهه‌ی اخیر شیوع عجیبی یافته است.

* در طول برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، تشکیل مراکز و نهادهای اشاعه‌ی ایمان، با سنجه و سازوکار ارزیابی ضریب آن‌ها، ضروری است.

۲) اعلامیه‌ی جهانی «حق خدا» مشتمل بر ترندهای حق خالق، حق خلقت، حق مخلوق، و حق اشرف مخلوقات، در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، تکمیل شده و به گفتمان عمومی تبدیل شود.

۵- سرمایه علم

جنبش تولید علم در ایران تحرک نسبی داشته و اکنون ایران پس از یک دوره‌ی ۳۰۰ ساله، واجد جامعه‌ی علمی است؛ اما سرمایه‌ی علمی در بازه‌ی برنامه‌ی ششم سه آماج‌گذاری مشخص را می‌طلبد:

الف- دستیابی به علوم اقتدارآفرین

این‌که کشور ایران امروز واجد جامعه‌ی علمی است به این معنی نیست که همه‌ی این علوم، به اقتدار ایران اسلامی می‌افزایند؛ بلکه برعکس، برخی از این علوم، به‌ویژه در علوم انسانی با مبنای غیر توحیدی [۵]، موجب اقتدارزدایی از ایران اسلامی هستند. علم اقتصاد مدرن که ذاتاً ربوی است، هر قدر ضریب نفوذ بیشتری در ایران داشته باشد، اقتدار اسلامی ایران را می‌زداید. تحول در علوم، با شاخص اقتدار آفرینی، در مقطع برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، باید پی‌گیری شود:

۱) علوم اقتدار آفرین انسانی.

۲) علوم اقتدار آفرین پایه.

۳) علوم اقتدار آفرین فنی.

۴) علوم اقتدار آفرین زیستی.

* نکته: مدرک‌گرایی مفرط در بازه‌ی برنامه‌ی ششم موجب اعتبارزدایی از دانشگاه و مدارک آن در میان عموم مردم می‌شود. این اعتبارزدایی، فرصتی طلایی است تا مجدداً دانشگاه و علم، عرصه‌ی جویندگان حقیقی معرفت و دانش گردد.

ب- دانشگاه حکمت‌بنیان

پس از دانشگاه‌های نسل یکم آموزش‌محور، نسل دوم پژوهش‌محور، و نسل سوم کارآفرین، دانشگاه‌های نسل چهارم حکمت‌بنیان مطرح هستند. بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، فرصت مناسبی برای پایه‌گذاری نمونه‌های آزمایشی دانشگاه‌های حکمت‌بنیان است.

ج- دبستان حکمت بنیان

حرکت حکمت بنیان ضرورتاً باید از دبستان آغاز شود.

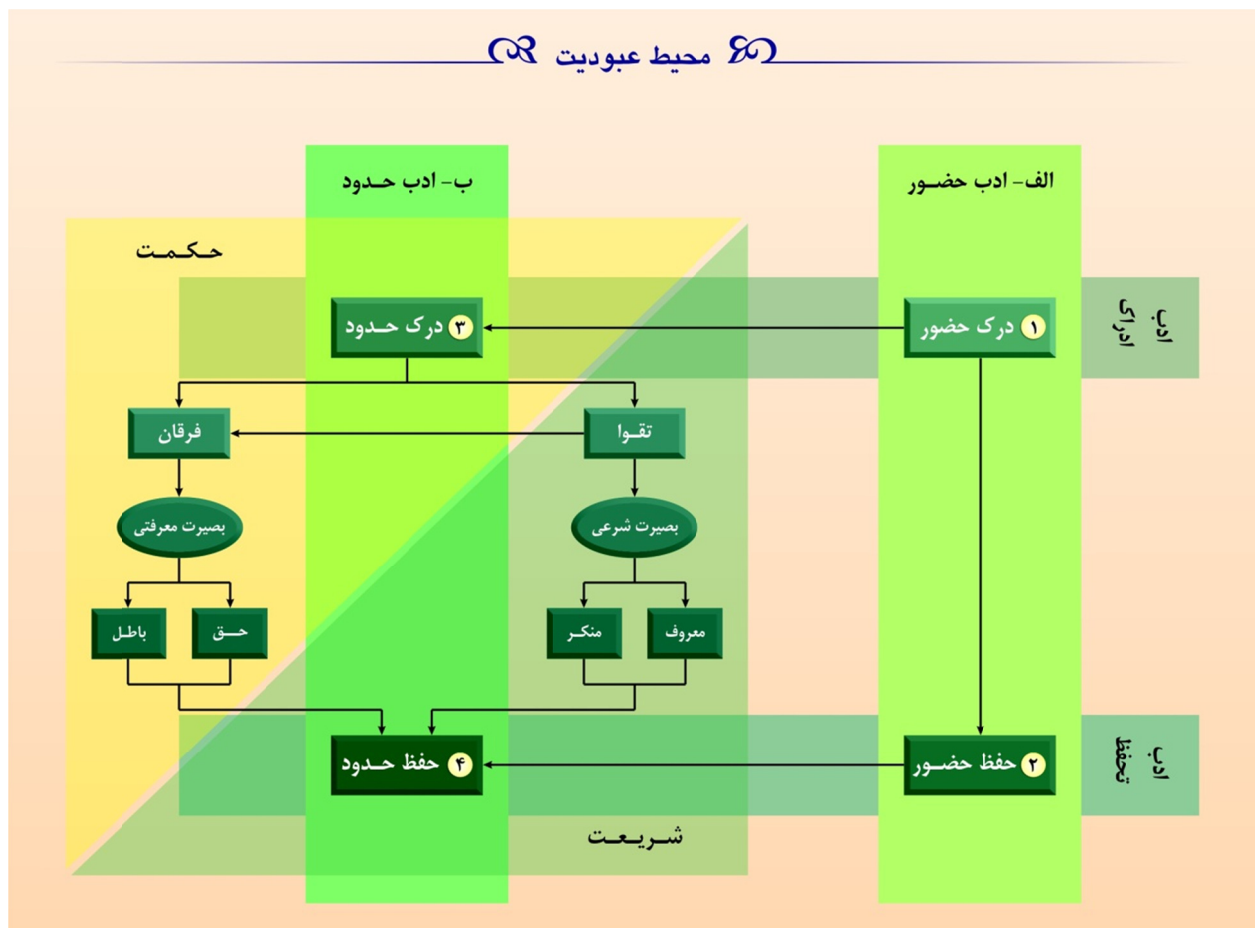
* نکته: سرمایه‌ی علمی، بخشی از قدرت نرم کشور است که در چهارچوبی حکمت بنیان، به اقتدار آفرینی منتج می‌شود.

۶- سرمایه‌ی ادب و تربیت

تفرد و پدیده‌ی فلسفی ایندیویژوالیسم *Individualism* بیماری مهلک تربیتی قرن بیست و یکم میلادی است. این بیماری در جامعه ایران ناشناخته است، اما به سرعت در حال اپیدمی و فراگیر شدن است.

الف- ادب حضور

در تلقی هستی‌شناختی امام خمینی^(ره)، نسخه‌ی درمان ویروس بیماری تفرد است [۶]. در برنامه‌ی ششم پیش‌رفت باید پدیده‌ی ایندیویژوالیسم رصد و ارزیابی شود، و هم‌زمان ادب حضور ترویج و تعمیق گردد. ادب حضور را می‌توان از مهدهای کودک و دبستان‌ها آغاز نمود. برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، باید بستر تحقق و نهادینه‌سازی ادب حضور شود.



ب- آموزش تراز

تحولات تکنولوژیک، و بصری شدن عمده‌ی دریافت‌های معرفتی، یک انقلاب اساسی را در امر آموزش رقم زده است. عصر «اصالت تصور» که از راه شنیدن و خواندن حاصل می‌شد، به‌مرور جای خود را به عصر «اصالت تصویر» می‌دهد که از راه دیدن محقق می‌شود. سینما به کمک آموزش آمده است و از ترکیب دو مفهوم «تفریح» و «تربیت»، واژه‌ی «اجوتینمنت» *Edutainment* را برای مدارس، و از ترکیب دو مفهوم «تفریح» و «دانش»، واژه‌ی «سایتینمنت» *Sciertainment* را برای دانشگاه فراهم آورده است. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، مقطعی است که جبراً شیوه‌ی «اجوتینمنت» و «سایتینمنت» جایگزین روش آموزش کنونی می‌شود؛ در مقابل این دگرگونی نباید منفعل بود. در این تحول، طول دوره‌ی مدرسه و دوره‌ی دانشگاه به نحو چشم‌گیری کاهش می‌یابد.

۷- سرمایه‌ی سلامت

سلامت‌تراز در نگرش قرآنی در «قلب سلیم» است. روی‌کرد کنونی، محدود به تن‌درستی *Health* است. این روی‌کرد، یک نگرش مادی است که در آن حیات محدود به تن انسان است و بیماری نیز صرفاً محدود به بیماری‌های جسم انسان است. این نگرش داروینستی به حیات و انسان، مکتب مادی‌گرایانه‌ی علوم پزشکی امروز است. تلاش کنونی برای درمان امراض جسمی در علوم پزشکی کنونی، قابل تقدیر است. اما درمان مرض‌های نفس و روح که به سلامت قلب می‌انجامد در علوم پزشکی داروینستی جای‌گاهی ندارد. بازه‌ی برنامه‌ی ششم، دوره‌ی گفتمان‌سازی قلب سلیم است. گفتمان‌سازی مبحث قلب سلیم، مرحله‌ی عبور از داروینسم در علوم پزشکی، و نزدیک شدن به طب‌تراز قرآنی است.



۸- سرمایه‌ی سیاسی

سرمایه‌ی سیاسی در چهار حوزه‌ی نخبگان سیاسی، نهادهای تصمیم‌ساز، متنفذین سیاسی در قالب ابرطبقه، و احزاب سیاسی بازتولید می‌شود. در تلقی دینی در اسلام، عنصر امامت و ولایت به عنوان حوزه‌ی پنجم بازتولید سیاست شناخته می‌شود. به ویژه این‌که سیاست همان دیانت است در عمل.

الف- نخبگان سیاسی

در بازه‌ی زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۳ بخش عمده‌ای از نسل یکم انقلاب اسلامی از دنیا رحلت می‌کنند. در طول برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، نخبگان نسل دوم باید آماده‌ی جایگزینی با نخبگان نسل یکم شوند. سرمایه‌ی سیاسی ایران امروز حزب‌محور نیست، بلکه شخصیت‌محور است.

ب- نهادهای تصمیم‌ساز

سرمایه‌ی مستشاری، بخش مهمی از سرمایه‌ی سیاسی است. نهادهای مستشاری، نهادهای تصمیم‌ساز هستند. ایجاد، حفظ و بسط اندیشه‌های تصمیم‌سازی عمومی و تخصصی، در سطح ملی و استانی، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم یک ضرورت است.

پ- ابرطبقه

در قدرت نرم سیاسی، پیدایش و وجود ابرطبقه «سوپر کلاس» *Super-Class* یک واقعیت است. ابرطبقه‌ی جهانی بیش از ۶۰۰۰ نفر برآورد شده است. [۷]
بانک‌داران، ثروت‌مندان، صاحبان صنایع، کارتل‌ها و تراست‌ها، سیاست‌مداران، هنرمندان، و ورزشکاران مطرح، اعضای ابرطبقه هستند که در داووس سوئیس گرد هم می‌آیند. فرقه‌ی داووسی، دنباله‌ی باشگاه روم و کمیته‌ی ۳۰۰ است. مهم‌ترین پیامد تجمیع ابرطبقه در داووس، کاهش تأثیر سازمان ملل و ارتقاء ضریب نفوذ داووس به عنوان نهاد غیررسمی بین‌الملل در سایه است.

ابرطبقه زائیده‌ی جامعه‌ی لیبرالیستی و کاپیتالیستی است. در ایران امروز نیز با توجه به ضریب نفوذ فرهنگ و اقتصاد لیبرالیستی و سرمایه‌داری، شکل‌گیری ابرطبقه آغاز شده است. فوتبالیست‌های صاحب نفوذ، ثروت‌مندان، سیاسیون پرده‌نشین، متنفذین اقتصادی- فرهنگی، هنرمندان و سینماگران ذی‌نفوذ، بخشی از ابرطبقه‌ی در حال نهادینه شدن هستند. شهرام جزایری، بابک زنجانی، و پدیده‌ی فساد بانکی ۳۰۰۰ میلیاردی در سال‌های اخیر،

نمونه‌های مالی این هرم هستند. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، دوره‌ی تثبیت و نهادینه شدن ابرطبقه در قالب پذیرش اجتماعی - سیاسی آنان است.

* برآورد ابرطبقه‌ی جهانی و ابرطبقه‌ی ملی ضروری است، زیرا ابرطبقه، بنیه‌ی سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و امنیتی کشور را تضعیف می‌کند.

۹- سرمایه‌ی اجتماعی (با تمرکز بر خانواده و جمعیت)

بر مبنای گزارش نهادهای بین‌المللی در نقشه‌ی خانواده‌ی ۲۰۱۴، خانواده عملاً در بسیاری از جوامع مدرن فروپاشیده است و «هم‌باشی» به پدیده‌ی رایج تبدیل شده است. در این گزارش‌ها، بخش قابل توجهی از کودکان جهان زنازاده هستند.



نگرانی از کاهش جمعیت و پیری جمعیت کشور، امروز نقل مجالس است. کاهش سن ازدواج، ازدواج آسان، تشویق زاد و ولد، توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردان، پیشنهادهایی است که مطرح می‌شود، اما چالش‌های جدی در این راه وجود دارد:

الف- کاهش جمعیت، یک متغیر مهم دارد: تفرد. پدر و مادری که اسیر ویروس تفرد *Individualism* شده‌اند قطعاً تحمل کودک و فرزند را ندارند.

ب- وقوع انقلاب جنسی در ایران. انقلاب جنسی، مانند آنچه در دهه‌ی ۱۹۵۰ در آمریکا رخ داد، در حال وقوع است. پایه‌ی ایدئولوژیک این انقلاب جنسی، فمینیسم و هدونیسم است. به نوشته‌ی آلن بلوم *Alan Bloom*، پروژه‌ی مرکزی فمینیست‌ها، حیازدایی به منظور تحقق انقلاب جنسی است [۸]. جنبش فمینیستی ایران نیز در دو دهه‌ی اخیر، نقش کلیدی در حیازدایی برای تحقق انقلاب جنسی ایفاء کرد. از این‌رو، این جنبش عمیقاً مورد حمایت سرویس‌های جاسوسی غرب بوده و هست. اصالت لذت، بخش مکمل حیازدایی در انقلاب جنسی است. ظاهراً انقلاب جنسی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم، از حیث نسلی تثبیت و نهادینه می‌شود. با توجه به رخوت مدیریت علمی- فرهنگی- تربیتی- هنری و رسانه‌ای کشور، اقدام مناسبی از سوی نهادهای رسمی انجام نمی‌شود. از این‌رو، باید در طول برنامه‌ی ششم، گفتمان‌سازی حیا - که آغاز شده است - با حرکت خودجوش مردمی، شتاب روزافزون بگیرد.

۱۰- سرمایه‌ی سایبر

وابستگی روز افزون به فضای سایبر، شکل‌گیری پدیده‌های جهان موازی، جامعه‌ی مجازی، و زندگی دوم، آسیب‌پذیری‌های نوینی را رقم زده است که در حیطه‌ی امنیت سایبر دسته‌بندی می‌شود. استقلال سایبر، متضمن امنیت سایبر است. زیرساخت شبکه (و هم‌چنین سیستم‌عامل بومی و موتور جست‌وجوی بومی)، از مصادیق استقلال سایبر است. پیش‌نیاز استقلال سایبر، نهادسازی سایبرنتیک است. کشوری که بانی اینترنت و فضای سایبر است، یعنی ایالات متحده، پدیده‌ی اینترنت و امور سایبر را به وزارت *AT&T* یعنی وزارت‌خانه‌ی امور پست و تلگراف و تلفن خود نداده است، بلکه آن را به سازمان امنیت ملی *NSA* در وزارت دفاع آمریکا سپرده است. انگلیس نیز آن را به سازمان *GCHQ* واگذارده است. عجیب است که در ایران، یک حیطه‌ی نظامی - امنیتی، به نهاد غیرنظامی یعنی وزارت ارتباطات واگذار شده است.

امنیت پایدار در حوزه‌ی سایبر متضمن این است که اینترنت و مدیریت سایبر از وزارت ارتباطات گرفته شده و به نیروهای مسلح واگذار شود. بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت جمهوری اسلامی، مقطع فرهنگ‌سازی انتقال اینترنت و فضای سایبر به حیطه‌ی مأموریتی نیروهای مسلح است. کشور ایران محتاج یک نهاد کارآمد مانند NSA است. دیدن ساختار سازمانی NSA که متولی اینترنت در آمریکا است به خوبی می‌نمایاند که هیچ یک از اجزاء آن در ساختار سازمانی وزارت ارتباطات ایران نهاد مشابه ندارد. با توجه به یک‌پارچگی مدیریت اینترنت در آمریکا با فرماندهی جنگ‌های سایبری آن - که هر دو به ژنرال مایکل راجرز سپرده شده است - در ایران نیز باید با ایجاد سازمان مشابه NSA استقلال سایبرنتیک را رقم زد.

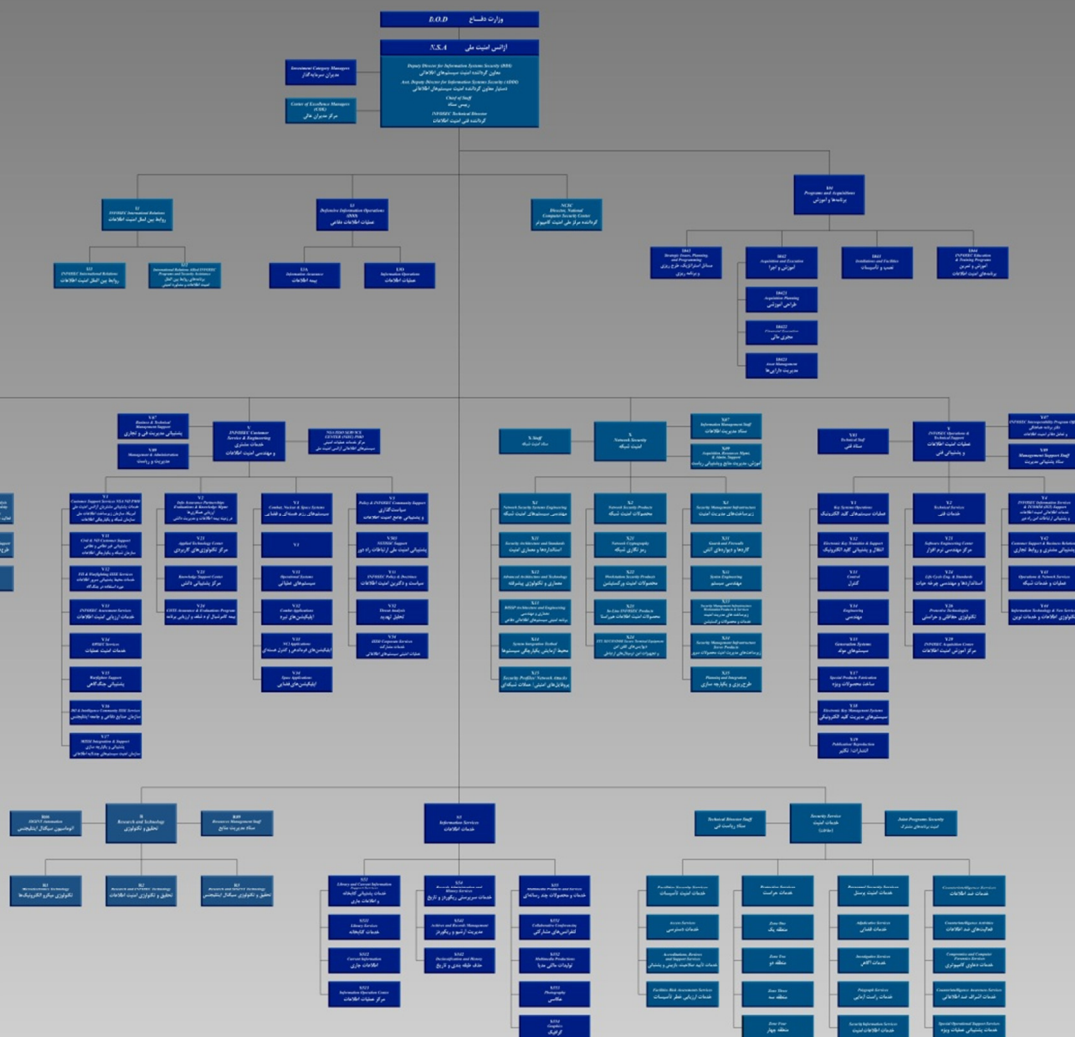
در هر منازعه‌ی تمام‌عیار میان ایران و آمریکا، مهم‌ترین منفذ و در واقع چشم اسفندیار قدرت ملی ایران، ساختار ارتباطات آن است. اینترنت جهان که ظاهراً پدیده‌ای غیرنظامی است، در واقع یک محصول عمیقاً نظامی است که کاملاً در کنترل وزارت دفاع آمریکا است و تحت پروتکل‌های آژانس امنیت ملی NSA در بخش موتورهای جست‌وجو، سیستم‌های عامل، امنیت شبکه، و امنیت اطلاعات عمل می‌کند. حمله‌ی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات اتمی ایران با ویروس استاکسنت و زیان‌های وارده، نشان داد که ورود اینترنت به شکل غیرنظامی به ایران، اقدامی غیر کارشناسی بوده و ضمن دستاوردها و خدمات عالی، متأسفانه آسیب‌پذیری دفاعی را افزایش داده است.



آدمیرال مایکل راجرز- رئیس NSA (از ۲۰۱۴)



ژنرال کیت الکساندر- رئیس سابق NSA (۲۰۰۵-۲۰۱۴)



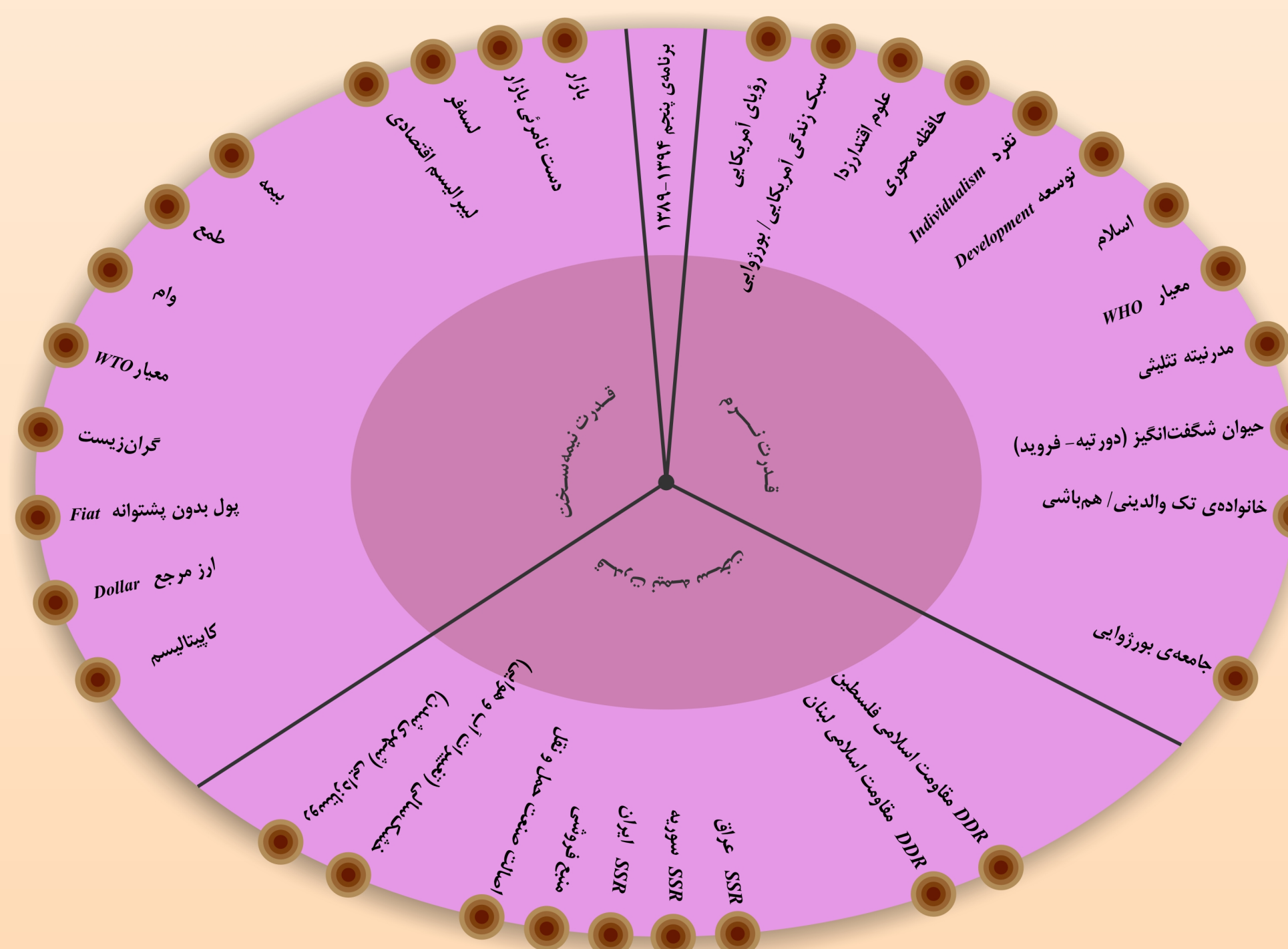
١١- اقتدار ملی - اقتدار بین المللی

31

منابع

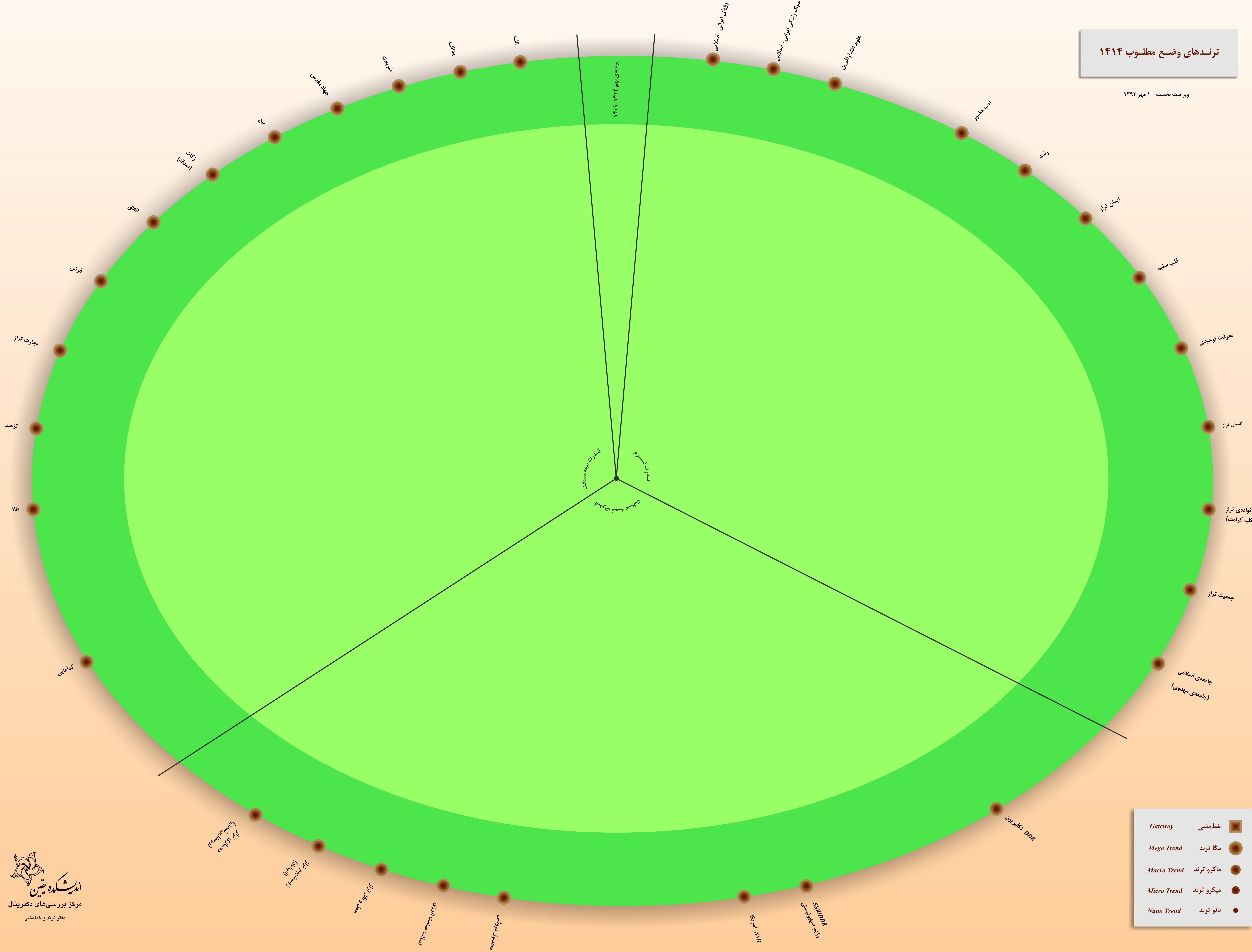
منابع:

- ۱- امام خامنه‌ای، ابلاغ سیاستهای کلی «اقتصاد مقاومتی»، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲.
- ۲- امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۲۰ اسفند ۱۳۹۲.
- ۳- صحیفه‌ی امام، جلد ۱۸، صفحه‌ی ۴۳۴، سخنرانی در جمع مسئولان اقتصادی و کشاورزی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳.
- «اگر چنانچه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواست، باز در بانک‌اش، در تجارت‌اش، در بین مردم- اش باشد، ما نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مساله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند، و ملت هم باید توجه بکنند به اینکه مواجه هستند با یک هم‌چون چیزی که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»، اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانک‌داری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و پول‌شان برای‌شان کار می‌کند و حال آنکه پول نباید کار بکند. پس اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنانچه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد.»
- ۴- امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش، ۲۸ فروردین ۱۳۷۵.
- «بالا‌تر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسئولان کشور، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کنند که در زمینه‌ی پول، در زمینه‌ی سازوکارهای اقتصادی و در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، وابستگی خودشان را در همه‌ی بخش‌ها قطع کنند.»
- ۵- امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۱ تیر ۱۳۹۳.
- ۶- امام خمینی (ره)، «سرالصلوه»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- ۷- راتکاف، دیوید- «ابرطبقه»، ترجمه احمد عزیزی، انتشارات کویر، ۱۳۸۹.
- 8- Allam Bloom, "The Closing of The American Mind", P101.



ترندهای وضع مطلوب ۱۴۱۴

ویراست نخست - ۱ مهر ۱۳۹۳



Trending 2035

ویراست نخست - ۱ مهر ۱۳۹۳





مرکز بررسی‌های دکتری‌نال